

واکاوی توسعه معنایی در آیه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا»^۱

کرم سیاوشی*
فاطمه زهرا عزتی گلمایی**

چکیده

قرآن کریم که از جانب خدای حکیم نازل شده، در صورت دارا بودن ویژگی فرازمانی و فرامکانی، قابلیت بهره‌گیری برای عموم مخاطبان در همه اعصار و امصار را خواهد داشت. این قابلیت در گرو توسعه و تعمیم دلالت‌ها و معانی آیات قرآن کریم است. بدین‌سان، لازمه دریافت هرچه بیشتر پیام‌های قرآن و محروم نشدن از مضامین نو به نو آن، پذیرش مقوله توسعه معنایی آیات قرآن است. فرایند و عوامل توسعه معنایی آیات قرآن کریم گاهی برخاسته و به مدد خود الفاظ آیات است و گاه از رهگذر متون یا علوم و دانستنی‌های دیگر. در این راستا، پژوهش حاضر به بازکاوی عوامل و اسباب توسعه معنایی در آیه: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» پرداخته است. نتیجه به دست آمده در این پژوهش، که به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته، بیانگر آن است که عوامل درون‌متنی، مانند: معنای دقیق و جامع «تَجْرِي» معنای حرف «لام» در «لِمُسْتَقَرٍّ» معنای ریشه «مُسْتَقَرٍّ» و صیغه «مُسْتَقَرٍّ» و عوامل برون‌متنی، مانند: دانش نجوم و هیئت جدید، موجب توسعه در مفهوم و دلالت آیه مورد بحث شده است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۸ یس، تفسیر ادبی، توسعه معنایی، تجری، مُسْتَقَرٍّ.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانش‌آموخته محترم است.

** دانشیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول).

** دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بوعلی سینا همدان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۹

karam.siyavoshi@basu.ac.ir

ezati_2814@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲

طرح مسئله

قرآن کریم، معجزه جاودان الهی، کتابی جامع، فرازمانی و فرامکانی بوده تا هدفش - که هدایت بشر در همه اعصار و امصار است - تأمین شود. لازمه این جامعیت، (ر.ک: نحل / ۸۹؛ انعام / ۵۹) ماندگاری، قابل درک و ثمربخش بودن برای عموم مخاطبان، (ر.ک: انعام / ۱۹؛ فرقان / ۱؛ سبأ / ۲۸؛ مدثر / ۳۶) توسعه معنایی آیات است. چنان که معصومان علیهم السلام از محدود کردن معنای آیات نهی نموده^۱ و آیات را دارای معانی تازه معرفی کرده‌اند. چه، روشن است که قرآن، علی‌رغم این که هم عصر با دوره جاهلیت است اما متکلم آن، از مردم آن عصر نبوده و تنها مخاطبانش نیز مردم آن عصر نیستند، چنان که در روایات آمده است:

يَعْقُوبُ بْنُ السَّكَيْتِ التَّحَوِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ الرِّضَا عليه السلام: «مَا بَالِ الْقُرْآنِ لَا يَزِدَادُ عَلَيَّ النَّشْرَ وَالدَّرْسَ إِلَّا غَضَاظَهُ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمْ يَجْعَلْهُ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛

این سکیت؛ می‌گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم: چرا چنان است که قرآن هرچه بیشتر بخش شود و بیشتر مورد بحث قرار گیرد، تازه‌تر و شاداب‌تر می‌شود؟ امام در پاسخ گفتند: زیرا خدای متعال قرآن را مخصوص زمانی خاص و مردمانی خاص قرار نداده است، به همین جهت است که در هر زمان، نو و جدید، و نزد هر قوم، تازه و با طراوت تا روز قیامت است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۸۷؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۰؛ دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۲۸۰)

برای کشف و درک معانی آیات آن، می‌بایست به فهم مردم آن عصر و یا به معنای ظاهری آیات، بسنده نشود.

در تعریف توسعه معنایی به گسترده شدن حوزه معنایی و کاربردی واژه اشاره شده است. (ر.ک: سیدی، ۱۳۹۰: ۴۴) هرچند معناشناسی ایستا، معنا را محدود دانسته و افزایش معنایی را نمی‌پذیرد، اما در مقابل، معناشناسی پویا با توجه به ارتباط معنا با امور رو به گسترش، افزایش معنا را ممکن می‌داند. (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۸۹) و معانی قرآن به بیش از آنچه در عصر نزول وضع گردیده، توسعه داده می‌شود. (سیدی، ۱۳۹۰: ۸۴ - ۸۳)

مطابق با نظریه گسترش مفهومی، آیات قرآن در طول زمان، دلالت‌ها و معانی جدیدی می‌یابند؛

۱. امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمود: «از آنانی مباش که درباره آیات معتقدند تنها یک معنا را افاده می‌کند.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۵۶)

از این رو یک نوع تعدد دلالتی و معنایی هم با گذشت زمان، در باره آیات پیدا می‌شود که این دلالت‌ها نافی یکدیگر نیستند. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۰۸)

مهم‌ترین مبانی توسعه مفاهیم و مدالیل قرآن، جاودانگی، جامعیت قرآن کریم و ذومراتب و ذوبطون بودن آیات آن است. اطلاق آیه: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت / ۴۲) و راه نیافتن هیچ‌گونه باطلی در قرآن، بیان گر جاودانگی آن است. همچنین، قرآن خود را این‌گونه وصف می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (یونس / ۵۷) خطاب به همگان - در حال و آینده - می‌گوید: این قرآن اندرزی است از جانب پروردگار؛ درمان آنچه در سینه‌هایتان می‌جوشد است و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان (کسانی که درباره قرآن این باور را دارند)؛ از این رو قرآن، برای همیشه پاسخ‌گوی نیازهاست و همواره با تحولات و دگرگونی‌های زندگی و بینش بشر سازگار است. (معرفت، ۱۳۸۵: ۲ / ۴۵۸)

همچنین مراتب معنایی آیات و لایه‌های بودن آن غیر قابل انکار بوده و از مبانی توسعه معنایی آیات قرآن است. به طوری که «به نظر می‌رسد این که قرآن بطون بسیاری دارد یا این که دلالت‌های آن لایتناهی است در میان بزرگان دین مسئله‌ای بسیار بدیهی است. گفتن این که وحی، پیوسته در حال نزول یا سخن گفتن با انسان است با این که تعبیر فرایندی مستمر و پویا باشد، همه اینها نشان از آگاهی مسلمانان به جنبه‌های زایا و پویای کتاب خدا دارد». (قیطوری، ۱۳۸۲: ۸۶)

از سوی دیگر، محدود کردن معنا و عدم‌پذیرش توسعه معنایی آیات، پیامدهایی را در پیش دارد، مانند: ۱. باقی ماندن معنا در سطح درک مخاطبان عصر نزول؛ ۲. معناشدن برخی از آیات هستی‌شناسانه برخلاف علوم قطعی؛ ۳. از دست رفتن بسیاری از مضامین بلند قرآن؛ ۴. زیر سؤال رفتن مفهوم روایاتی که بیانگر تازگی قرآن هستند. ۵. نادیده گرفته شدن اعجاز قرآن در فصاحت، بلاغت و مسائل غیبی. (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۶)

سابقه موضوع توسعه معنایی آیات را در ابتدا می‌توان در روایات معصومان علیهم‌السلام جستجو کرد، آنجا که به معنای ظاهری آیات بسنده نکرده و بطونی را برای آیات معرفی کردند و پیروان خود را به بررسی عمیق آیات دعوت کردند و از همین رو، موضوع توسعه معانی آیات، از صدر اسلام قابل توجه مخاطبان قرآن بوده است و پس از آن، در جریان‌های کلامی، عرفانی، صوفی، باطنی، فلسفی، علم‌گرا و جریان تفسیر اجتماعی، نمونه‌هایی از گسترش معنایی آیات مشاهده می‌شود. (نکونام، ۱۳۹۰: ۳۱۴) سپس برخی مفسران و نویسندگان، اشاراتی به مبحث توسعه معنا کرده و در پذیرش یا عدم‌پذیرش آن، سخن رانده‌اند. کتبی چون **چند معنایی در قرآن کریم: درآمدی بر توسعه در دلالت‌های قرآنی** از

سید محمود طیب حسینی، **قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی نیازهای زمان** از ابراهیم کلانتری، **درآمدی بر معناشناسی قرآن** از جعفر نکونام و مقاله‌هایی چون «راهکارها و ضوابط تعمیم مدلول آیات قرآن کریم» از عباس مصلاهی پور، «شمول‌پذیری معنا در قرآن کریم» از محمدعلی ایازی، از این قبیل‌اند، اما بررسی سیر معنایی آیه ۳۸ سوره یس و گسترش مفهوم آن، در برخی کتب مرتبط با اعجاز علمی مانند **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن** از محمدعلی رضایی اصفهانی، **نجوم‌شناسی در قرآن** از سیدعیسی مسترحمی، **حرکت خورشید و زمین از دیدگاه قرآن** از علی نجفی‌نژاد، **از نجوم‌شناسی تا خداشناسی** از بابک محمودی، به طور مختصر پرداخته شده و واکاوی دقیق و همه‌جانبه عوامل توسعه معنایی آیه مذکور به طور مستقل و مفصل، انجام نشده است.

توسعه معنایی

توسعه معنایی دارای عوامل و فرایندی است که می‌توان آنها را به دو گونه، عوامل درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم کرد:

۱. عوامل درون‌متنی

گاهی اجزای موجود در متن موجب توسعه معنای آن متن شده و معانی ژرف‌تری را القاء می‌کند. برخی از این عوامل از یک لفظ و برخی نیز از مجموعه الفاظ، نشأت می‌گیرد. در کلام الهی نیز این مسئله مشهود بوده و گسترش معنا به سبب عوامل درون‌متنی از امتیازهای آن است. چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)؛ بعضی از آن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی، گواه برخی دیگر است.» بنابراین، آیات، خود از اسباب توسعه معناست، به طوری که عمومیت یا اطلاق لفظی که در آیه آمده، زمان افعال، وزن کلمات، تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز صورت گرفته در آیه و ... گسترش مفهوم آیه را ایجاب می‌کند.

۲. عوامل برون‌متنی

متن با شرایط و حالت‌هایی که در خود دارد و در تعاملی که با دیگر متون داشته و اثری که از عوامل بیرونی می‌پذیرد، معانی تازه‌ای را به ظهور می‌رساند. «گاهی توسعه معنایی دقیقاً وابسته به شناخت نشانه‌های غیرزبانی و عوامل بیرونی زبان است. مفسر بر اساس آگاهی‌هایی که به دست می‌آورد و در سیر تحول علم با آن آشنا می‌گردد، به لوازمی برخورد می‌کند که پیش از آن برای مخاطب عصر

نزول مورد توجه نبوده است و روابط مدلولی آن را نمی‌شناخته و یا از لوازم آن در حوزه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علم هیئت و نجوم و تاریخ با خبر نبوده است و امروز وقتی که به این پیام برخورد می‌کند، سطح آگاهی، کشفیات جدیدی از مدلول را آشکار می‌سازد». (ابازی، ۱۳۸۶: ۷)

عوامل بیرونی ممکن است متن یا علوم روز باشد که گسترش مفهوم متن را ناشی می‌شود. چه، ارتباط متن با آنها در طول زمان موجب پذیرش معناهای جدید و جدیدتر می‌شود. قائمی‌نیا در این باره می‌نویسد:

نص انفتاح دلالتی دارد و هرگز بدین معنا بسته نیست که دلالت‌هایش صرفاً در فضای خودش پایان یابد. مفسر می‌تواند از زوایای گوناگون به نص نگاه کند و از دریچه متون مختلف، دلالت‌های آن را بررسی کند. او می‌تواند از همه ابزارهای معرفتی ممکن و از همه متون موجود در فهم و تفسیر نص کمک بگیرد و تعدد دلالت‌های آن را در فضای متون دیگر ببیند و بخواند و از هر وسیله ممکن در این راه کمک بگیرد. لذا همواره دریچه‌های دلالتی گوناگونی به نص وجود دارد. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۵۱)

آیات علمی گونه‌ای از توسعه معنایی

بیش از ۷۵۰ آیه از قرآن کریم اشاره به پدیده‌های طبیعی دارد که در بسیاری از آنها، از اندیشمندان و اهل خرد دعوت می‌شود تا در آن پدیده‌ها تأمل، تعقل و دقت کنند. (نحل / ۱۳، ۶۹ - ۶۸ و ۶۷ - ۶۶؛ نور / ۴۴ - ۴۳؛ روم / ۲۲؛ یونس / ۵ و ۶؛ روم / ۲۴؛ زمر / ۲۱؛ نمل / ۸۶) بدین خاطر آیات علمی، در کتب تفسیر و دیگر نگاه‌شده‌های قرآنی، به خصوص در عصر حاضر، مباحث فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. هرچند در چرایی وجود چنین آیاتی در قرآن و در جواز تفسیر علمی یا عدم‌جواز آن، سخن بسیار رانده شده و موافقان و مخالفان در این باره اظهار نظر کرده‌اند.^۱

۱. اندیشمندان در مورد تفسیر علمی نظریات یکسانی ندارند و می‌توان آنان را در سه گروه دسته‌بندی کرد: الف) موافقان تفسیر علمی؛ افرادی چون بوعلی سینا (۴۲۸ - ۳۷۰ ق)، غزالی (۵۰۵ ق)، ابن‌عربی (۶۳۸ ق)، فخر رازی (۶۰۶ ق)، بدرالدین زرکشی (۷۶۴ ق)، سیوطی (۹۱۱ ق)، علامه مجلسی (۱۱۱۱ ق)، ملاصدرا (۱۰۵۰ ق)، طنطاوی (۱۸۶۲ ق)، آیه الله طالقانی، محمدتقی شریعتی و ... برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق داده‌اند. ب) مخالفان تفسیر علمی؛ افرادی مانند ابواسحاق شاطبی (۷۹۰ ق)، محمود شلتوت (۱۹۶۴ - ۱۸۹۳ م)، محمدحسین ذهبی، امین الخولی، عبدالعظیم الزرقانی تفسیر علمی را نپذیرفته و منکر آن هستند. مخالفان تفاسیر علمی، دلایلی چون هدف‌گذاری هدایتی برای قرآن و دور بودن مسائل علمی از این هدف (محتسب، ۱۳۹۳: ۳۱۴) قطعی و یقین‌آور نبودن مسائل علمی و در مقابل تغییر ناپذیر بودن حقایق قرآنی (شلتوت، ۱۴۲۴: ۱۳) برای مخالفت خود ارائه کرده و این دو نوع مبحث را هم راستا ندانستند. هیچ‌یک از دلایل فوق، مانع برداشت علمی از آیاتی که اشاره

عمده آیات علمی قرآن را می‌توان در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

۱. آیاتی که مراحل خلقت آسمان‌ها و زمین را توضیح می‌دهند. مانند: اعراف / ۵۴؛ یونس / ۳؛ هود / ۷؛ فرقان / ۵۹؛ سجده / ۴؛ فصلت / ۱۲ - ۹؛ انبیاء / ۳۰؛ ذاریات / ۴۷؛ بقره / ۲۹؛ نازعات / ۳۰ - ۲۷.
۲. آیاتی که مراحل و شگفتی‌های خلقت انسان را توضیح می‌دهند؛ این دسته از آیات منشأ اولیه خلقت انسان را از خاک و در برخی از آیات از گل توصیف می‌کنند و سپس به مراحل مختلف دوران جنینی و چگونگی تکامل انسان می‌پردازند؛ (مانند: حج / ۵؛ غافر / ۴۷؛ مومنون / ۱۴ - ۱۲)
۳. آیاتی که برخی از ویژگی‌های پدیده‌های طبیعی مختلف را توضیح می‌دهند؛ خداوند در این دسته از آیات طیف وسیعی از مخلوقات خود را از پدیده‌های سماوی نظیر ابر، باد، باران، خورشید، ماه، ستارگان تا حیوانات، گیاهان، کوه‌ها، دریاها و ... بر می‌شمارد و شگفتی‌های آنها را گوشزد می‌نماید؛ مانند: نحل / ۶۹ - ۶۵ و ۸۱ - ۷۹؛ فرقان / ۵۳؛ رحمن / ۲۴ - ۱۷.

با تحقیق در آثار قرآنی، بحث‌های فراوانی در باب چگونگی اثرپذیری و اثرگذاری قرآن و علوم بر یکدیگر و حامیان و مخالفان این موضوع، مشاهده می‌شود که در این نوشتار، مجالی برای طرح این مباحث نیست. (ر.ک: رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن؛ همو، تعامل قرآن و علوم؛ همو، علم و قرآن؛ مؤدب، سازگاری یا ناسازگاری قرآن و علم جدید؛ میثمی، قرآن و علم آفرینی؛ سبحانی، قرآن و علوم انسانی؛ آرمین، سیدمرتضی و استفاده از علوم زمانه در تفسیر قرآن) آنچه روشن است این است که، قرآن و علوم رابطه دو سویه دارند، به طوری که علوم اسلامی؛ مانند: فلسفه اسلامی، علم کلام، اخلاق اسلامی، بر پایه قرآن و بهره‌گیری از این متن آسمانی، شکل گرفته‌اند و در مقابل، علوم هستند که موجب فهم بهتر آیات قرآن و گسترش معنایی برخی آیات

صریح به پدیده‌های طبیعی دارند، نشده و نمی‌توان باب فهم آیات علمی قرآن را برپایه آنها به کلی بست. وجود آیات علمی و تفسیر علمی آنها، نه تنها با مسئله هدایت، تعارض و تناقضی ندارد بلکه در عصر شکوفایی علم، توجه به چنین آیاتی موجب هدایت خواهد بود.

(ج دیدگاه تفصیلی؛ برخی از مفسران و دانشمندان اسلامی، یک قسم از تفسیر علمی را با شرایطی پذیرفته و قسمتی دیگر را رد کرده‌اند؛ یعنی قائل به تفصیل در این مورد شده‌اند. از جمله این افراد می‌توان سید قطب، محمد مصطفی مراغی، احمد عمر ابوججر، علامه طباطبایی، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله معرفت و آیت‌الله سبحانی را نام برد. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵ / ۸۰ - ۶۶؛ سیاوشی، ۱۳۸۵: ۹۳ - ۵۵) روشن است که موافقت با تفسیر علمی قرآن، بدون در نظر گرفتن ضوابط و شروطی برای آن، به طوری که بتوان هر قضیه علمی را به آیات قرآن نسبت داد، دور از حقیقت بوده و قابل پذیرش نیست بلکه همان‌گونه که قائلان به تفصیل معتقدند، تفسیر علمی می‌بایست مواجهه با آیات علمی، به دور از تحمیل موضوعات علمی و پیش‌دآوری به‌وسیله آنها، صورت پذیرد. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۷۳ - ۳۵۰) به عنوان نمونه سید قطب به‌رندی از مباحث و کشفیات علمی را در تفسیر آیات قرآن، تنها به استفاده از یافته‌های قابل اعتماد و استوار علمی محدود می‌کند و این استعمال را نیز صرفاً جهت توسعه مدلول آیات و تعمیق مفاهیم و پیام‌های آنها جایز می‌شمرد. (ر.ک: سیاوشی، همان)

شده‌اند. از همین رو زرکشی در **البرهان** این قاعده را بیان می‌کند که: «هر که از دانش‌ها، بهره‌فزون‌تری دارد سهم او در فراگیری معارف قرآنی بیشتر است». (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲ / ۱۴۸) شرفاوی از پژوهش‌گران معاصر مصری می‌نویسد:

نص قرآن در خلال قرون و اعصار، در مواجهه با رشد علوم بشری قرار داشت و الهامی بود برای مفسران، تا از فرهنگ و بینش و معارف انسانی و علوم تجربی دوران خود در تفسیر استفاده کنند. هرچه مفسران دانش خود را به اسرار هستی و درون انسان‌ها افزون می‌کردند، کشف آنها از اعماق نص قرآنی و جوانب آن بارورتر و ژرف‌تر می‌شد. (شرفاوی، ۱۹۷۹: ۴۵ به نقل از: ایازی، ۱۳۷۶: ۵۶)

البته با بررسی آراء مفسران و عالمان مسلمان، روشن می‌شود که تفسیر علمی به انحاء مختلف و با دیدگاه‌های متفاوت انجام می‌شود:

الف) استخراج همه علوم از قرآن کریم: برخی عالمان قدیمی معتقد بودند همه چیز در قرآن آمده و کوشیدند تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند.

ب) تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم: برخی دانشمندان مسلمان، قوانین و نظریات علوم تجربی را مسلم دانسته و سعی کرده‌اند تا آیاتی موافق آنها را از قرآن بیابند و در صورت نیافتن، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده‌اند.

ج) استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن: در این شیوه، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با استناد به ضوابط تفسیر معتبر، می‌کوشد با استفاده از مطالب اطمینان‌آور علوم که با دلیل عقلی و بدهت حسی پشتیبانی می‌شود و با ظاهر آیات قرآن (طبق معنای لغوی و اصطلاحی) موافق است، به تفسیر علمی بپردازد.

د) جهت‌دهی به مبانی و اهداف علوم: بدین‌سان که قرآن کریم در علوم، به‌ویژه علوم انسانی اثر گذاشته و اهداف و مبانی جدیدی برای آنها تعریف می‌کند که در اثر آن، چهره علم تغییر می‌کند.

ه) نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن: برخی مطالب در حوزه علوم، به خصوص علوم انسانی، توسط قرآن کریم مطرح می‌شود که در این دانش‌ها سابقه نداشته است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵ / ۲۲۰ - ۲۱۲) ناگفته، روشن است که تفسیر علمی مجاز از آیات قرآن می‌بایست با مراعات ضوابط و بهره‌گیری از مسائل ثابت شده علمی و با دوری جستن از نسبت دادن مسائل علمی غیرقطعی به قرآن، انجام پذیرد. بنابراین، استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن، نیز جهت‌دهی به مبانی و اهداف علوم و نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن، در زمره تفسیر علمی صحیح، می‌گنجد.

بر این پایه و با توجه به صفت حکیم بودن خداوند (هود / ۱) و کلام وی، (یس / ۲؛ آل عمران / ۵۸) الفاظ و عبارتهای این کتاب، کاملاً حکیمانه تنظیم و نازل شده و حتی کوچکترین جزء آن که یک حرف است - نابجا - ذکر نشده است؛ بلکه هدفمند بوده که گاهی این هدف و حکمت در نگاه اولیه به آیات کشف می‌شود و گاه مفسران پس از ژرف‌نگری بیشتر، گذشت زمان و بهره‌گیری از علوم دیگر به معنای فراتر آن دست می‌یابند و معنایی توسعه یافته از آن ارائه می‌دهند.

بر این پایه، می‌توان گفت تفسیر آیات بر اساس نظریات قطعی و تثبیت شده دانش‌های عصری، یکی از جلوه‌های توسعه معنایی آیات قرآن به‌شمار می‌آید که موجب صحه گذاشتن بر آن نیز می‌گردد.

توسعه معنایی در آیه شریفه: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...»

یکی از مواردی که با بهره‌گیری از دانش‌ها و آگاهی‌های نجومی عصر حاضر قابلیت توسعه معنایی دارد، آیه شریفه: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ (یس / ۳۸) و خورشید به سوی قرارگاه ویژه خود روان است. این تقدیر آن عزیز حکیم است.» می‌باشد که با بهره‌گیری از دانش‌ها و آگاهی‌های نجومی عصر حاضر، معنای آن قابلیت توسعه دارد که در ادامه به چگونگی بسط دلالت این آیه پرداخته می‌شود.

عوامل بسط معنای آیه

آیه شریفه: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...» (یس / ۳۸) با وجود کوتاهی، مشتمل بر معانی بسیار و بلندی است؛ گو اینکه از زمان نزول تا هم اکنون مفسران و پژوهشیان قرآنی معانی و تفاسیر متعددی را برای آن بیان کرده‌اند و دور نیست که پس از این نیز به مفاهیم کامل‌تری درباره آن دست یابند. عواملی که گسترش معنای این آیه را سبب شده‌اند، عبارت است از عوامل درون‌متنی و عوامل برون‌متنی.

۱. عوامل درون‌متنی توسعه آیه

عواملی درون‌متنی که از درون آیه موجب توسعه معنای آیه شده‌اند، موارد زیر است:

الف) واژه «تَجْرِي»

«تَجْرِي» از ریشه «جَری» به معنای «گذشتن سریع» است که در اصل مقصود از آن، گذری مانند: «گذشتن آب» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۴) یا «روان بودن چیزی» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۴۸) می‌باشد. از ریشه «جَری» در قرآن ۶۴ مرتبه بازآمده که بیش از ۵۰ مورد آن به صورت فعل

«تَجْرِي» است و غالب این موارد (مانند: بقره / ۲۵ و ۲۶۶؛ آل عمران / ۱۵، ۱۳۶، ۱۹۵ و ۱۹۸؛ نساء / ۱۳، ۵۷ و ۱۲۲؛ مائده / ۱۲ و ۱۱۹؛ توبه / ۷۲، ۸۹ و ۱۰۰؛ یونس / ۹؛ رعد / ۳۵؛ ابراهیم / ۲۳؛ نحل / ۳۱؛ کهف / ۳۱؛ طه / ۷۶ و ...) حرکت نهرهای بهشتی را بیان می‌کند و در چند مورد نیز به حرکات پدیده‌های طبیعی مانند خورشید و ماه (رعد / ۲؛ لقمان / ۲۹؛ فاطر / ۱۳؛ زمر / ۵) و باد (ص / ۳۶؛ انبیاء / ۸۱) یا حرکات کشتی در دریا (بقره / ۱۶۴؛ لقمان / ۳۱؛ ابراهیم / ۳۲؛ حج / ۶۵؛ جاثیه / ۱۲؛ روم / ۴۶) اشاره دارد و در تعدادی از آیات نیز به صورت اسم «الْجَارِيَه» یا جمع آن «الْجَوَارِ» آمده که به معنای چشمه جاری در بهشت، (غاشیه / ۱۲) کشتی‌های روان در دریا (حاقه / ۱؛ الرحمن / ۲۴؛ ذاریات / ۳) یا ستارگان در حال حرکت (تکویر / ۱۶) به کار رفته است.

قرآن کریم از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه از حرکت آن. در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته، مرتب زبر و رو می‌شود و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند بلکه مثل آب در جریان است. (نقیب، ۱۳۹۵: ۲۰۱ - ۲۰۰)

بر این پایه، در صورتی که به جای فعل «تَجْرِي» فعل «تَتَحَرَّكُ» به کار می‌رفت، شاید در زمان نزول، همان چیزی را درک می‌کردند که از فعل «تَجْرِي» فهمیده می‌شد، اما استعمال فعل «تَجْرِي» موجب شده مخاطبان دیگر اعصار، معنایی فراتر از آیه را درک کنند که این معانی با جایگزینی فعل «تَتَحَرَّكُ» قابل برداشت نبوده و آیه مورد بحث، قابلیت اشاره به حرکات مختلف خورشید را نداشت. این حرکات که همگی قابل استخراج از واژه «تَجْرِي» است به قرار ذیل است:

۱. حرکت درونی خورشید (زبر و رو شدن مواد مذاب): همان‌گونه که بیان شد «تَجْرِي» در مورد حرکت مایعات مثل آب به کار می‌رود که در هنگام حرکت افزون بر پیش رفتن، زبر و رو هم می‌شوند و بر سر هم می‌خورند. درون هسته خورشید که ۶۰ درصد جرم خورشید را تشکیل می‌دهد، دما به حدود ۱۵ میلیون درجه سانتیگراد می‌رسد و در آن، طی فرایندی به نام هم‌جوشی، اتم‌های هیدروژن در گرما و فشار بسیار مهیب مرکز خورشید به هم کوبیده شده، جوش می‌خورند و اتم‌های هلیوم می‌سازند و این اتفاق با آهنگ ۶۰۰ میلیون تن در ثانیه اتفاق می‌افتد که انرژی نورانی و گرما، تولید شده و روشنی‌بخش زندگی زمینیان می‌شود. همین انفجارها باعث زبر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید شده و گاه تا کیلومترها به بیرون پرتاب می‌شود. (ریدپات، ۱۳۸۰: ۷؛ زیلیک، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۸۸؛ موریسون، ۱۳۸۹: ۹۳؛ ماران، ۱۳۹۱: ۱۶۹؛ بردبار، ۱۳۹۶: ۱۳۲؛ مسترحمی، ۱۳۹۵: ۱۸۴؛ نجفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۹) هنگامی که هیدروژن به هلیوم تبدیل می‌شود، تعدادی ذرات کوچک به نام «نوترینو» نیز

تولید می‌شود که با سرعت نور در همه جهتها حرکت می‌کنند و پس از ۳ / ۲ ثانیه به سطح خورشید رسیده و در فضا به حرکت خود ادامه می‌دهند. (ماران، همان؛ صمدیانی، ۱۳۸۵: ۱۸۲) و بدین‌سان یکی از حرکات و جریان‌های خورشیدی شکل می‌گیرد.

۲. حرکت خورشید به دور خودش (حرکت وضعی): خورشید جسم صلبی نیست و به همین دلیل برخلاف زمین که به طور یکپارچه به دور خود می‌چرخد، نواحی مختلف آن با سرعت‌های مختلفی حول محور دوران آن می‌چرخند. (گاموف، ۱۳۵۱، ۸۳؛ ریدپات، ۱۳۹۱: ۸۶؛ استات، ۱۳۹۵: ۸۸؛ زیلیک، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۰۰؛ دگانی، ۱۳۹۱: ۲۴۵؛ روشن، ۱۳۳۹: ۱ / ۱۰۷؛ شهرستانی، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ بردبار، ۱۳۹۶: ۱۲۵؛ مسترحمی، ۱۳۹۵: ۱۸۲؛ نجفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۸) چنان‌که کریستف شاینر^۱ نشان داد که یک «چرخش تفاضلی»^۲ وجود دارد. (کارتونن، ۱۳۹۱: ۲۷۷)

۳. حرکت خورشید از جنوب به شمال آسمان (حرکت انتقالی طولی): (فوکال،^۳ ۲۰۱۳: ۴۲۱ - ۴۲۰؛ لانگ،^۴ ۲۰۰۶: ۷۸ - ۶۳؛ گریگرسن،^۵ ۲۰۱۰: ۴۴ - ۳۸؛ بایکوسکا،^۶ ۲۰۱۲: ۱۲۸ - ۱۱۹؛ دالکی، ۱۳۸۵: ۷۹؛ مسترحمی، ۱۳۹۵: ۱۸۲؛ نجفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۸؛ فیومی، ۱۴۲۵: ۲۲)

۴. حرکت خورشید به دور مرکز کهکشان (حرکت انتقالی دورانی): به طوری که خورشید به همراه منظومه شمسی و به همراه کهکشان راه شیری، در حال چرخش به دور مرکز کهکشان است. (ر.ک: فوکال، همان: ۴۲۰؛ لانگ، همان؛ گریگرسن، همان؛ بایکوسکا، همان؛ جسترو، ۱۳۶۳: ۷۸ / ۲ - ۷۷؛ زیلیک، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۰۰ - ۹۹؛ دالکی، ۱۳۸۵: ۷۹؛ مسترحمی، ۱۳۹۵: ۱۸۱؛ نجفی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲۹؛ محمودی، ۱۳۹۳: ۶۵؛ فیومی، همان؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۶۸ - ۱۶۲)^۷

بدین‌سان روشن می‌شود که در پرتو دانش عصری، سطوح مختلفی از دلالت‌ها از فعل «تَجْرِي» در آیه مورد بحث، استنباط و استخراج می‌گردد و به اصطلاح این واژه به همه این معانی (حرکات) توسعه می‌یابد.

(ب) حرف «لام» در «لِمْسْتَقَرٍّ»

طبق نظر برخی از نویسندگان حرف «لام» در زبان عربی دارای ۱۳ معناست. (سلیمان، ۱۹۷۸: ۳۵)

1. Christoph Scheiner.
2. Differential Rotation.
3. Foukal.
4. Lang.
5. Gregersen.
6. Biéowska.
7. Lang, 2006: 63-78; Gregersen, 2010: 38-44 ; Biéowska, 2012: 119-128.

بر این پایه در تفاسیر قرآن برای حرف «لام» مذکور، معانی متفاوتی ذکر شده است:
یک. لام به معنای «إلی»: خورشید به سوی قرارگاه خود روان است. (طوسی، بی تا، ۸ / ۴۵۹؛
آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۱۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۲ / ۲۳۰؛ طباطبایی، همان)
دو. لام غایت: خورشید تا قرارگاه خود روان است. (بروسوی، بی تا: ۷ / ۳۹۸ - ۳۹۷؛ طباطبایی، همان)
سه. لام تعلیل: خورشید به خاطر رسیدن به استقرار، روان است. (بروسوی، همان؛ آلوسی، همان؛
ابن عاشور، همان)

چهار. لام به معنای «فی»: خورشید در قرارگاه خود روان است. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴:

۱۸ / ۳۸۲)

با قرارگرفتن هریک از معانی چهارگانه فوق برای «لام» در کنار معنای کلمه «مُسْتَقَرٌّ» یکی از حرکات چهارگانه خورشید (درونی، وضعی، انتقالی طولی و انتقالی دَوْرانی) که تاکنون کشف شده، برداشت می شود. (مظاهری تهرانی، ۱۳۹۶: ۱۶۶)؛ یعنی، با در نظر گرفتن معنای «فی»، برای «لام» حرکت وضعی خورشید به دور خودش استنباط می شود. اگر «لام» به معنای «إلی» باشد، حرکت طولی خورشید از آیه قابل برداشت است. با در نظر گرفتن معنای «تعلیل»، برای «لام» حرکت درونی که در نهایت به سرد و ساکن شدن آن می انجامد و با در نظر گرفتن معنای «غایت»، برای «لام» حرکت خورشید تا قرارگاه نهایی اش به دست می آید. (مکارم شیرازی، همان؛ نجفی نژاد، ۱۳۸۱: ۳۱)

نکته قابل توجه آنکه، اگر در این آیه به جای حرف «لام» یکی از حروف «إلی»، «فی» یا «حتی» استعمال می شد، برداشت از آیه محدود می شد و آیه مورد بحث تنها به یکی از حرکات خورشید قابل تفسیر بود، اما استعمال حرف «لام» به عنوان یک قرینه درونی، در کنار عوامل بیرونی (کشفیات علمی)، موجب شده است حرکات متنوعی برای خورشید برداشت شود.

ج) واژه «مُسْتَقَرٌّ» و اصل آن

«مُسْتَقَرٌّ» از ریشه «قَرَّ» و در باب استفعال است. این باب دارای معانی متعددی است که معنای ثلاثی مجرد با تأکید و مبالغه و معنای تحوّل و صبرورت (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۸۰) از جمله آنهاست که بر واژه «مُسْتَقَرٌّ» قابل حمل است.

معنایی که اکثر لغویان و مفسران برای واژه «مُسْتَقَرٌّ» ذکر نموده اند عبارت از «ثابت شدن و آرام گرفتن» است. (طریحی، بی تا: ۳ / ۴۵۵) افزون بر این، احتمال دیگری برای این واژه مطرح گردیده و گفته شده که اصل آن «الْقَرَّ» به معنای «سرما» است. راغب اصفهانی، بر آن است که اقتضای «سرما»، «سکون» و اقتضای «گرما»، «حرکت» می باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۲) دیگر

لغویان نیز معنای سرما را برای کلمه «الْقُرُّ» ذکر کردند. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰: ۵ / ۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵ / ۸۲ و ...) معنای اخیر، با معنای تحوّل و صیروت باب استفعال هم‌خوانی دارد، از این رو هرچند در تفاسیر، اشاره چندانی به آن نشده است، اما نمی‌توان آن را به طور کامل کنار گذاشت بلکه محتمل است از معنای این لفظ شمرده شود.

نکته جالب توجه آنکه با توجه به همین معنا، می‌توان از آیه مورد بحث برداشت علمی دیگری داشت؛ چراکه امروزه در پژوهش‌های کیهان‌شناسی ثابت شده که پس از گذشت میلیاردها سال و در پایان عمر خورشید، دمای سطح آن به آرامی کاهش می‌یابد و گازهای منبسط شده و داغ، حرارت خود را از دست می‌دهند و پس از تحولاتی، سرانجام خورشید در اصطلاح به شکل یک جرم کوتوله سفید باقی مانده و هم چون خاکستر گرم در میان آتش در حال خاموش شدن، می‌درخشد و به تدریج از بین خواهد رفت. (استات، ۱۳۹۵: ۸۶؛ ماران، ۱۳۹۱: ۱۷۱؛ مسترحمی، ۱۳۹۷: ۲۷۶)

بدین‌سان، واژه «مُسْتَقَرٌّ» با استناد به معنای اصلی ریشه آن و در پرتو علم جدید نجوم موجب برداشت دلالت جدیدی از این لفظ در آیه شده است؛ هرچند که شاید نتوان با قاطعیت، چنین معنایی را به آیه نسبت داد.

□ د) صیغه «مُسْتَقَرٌّ»

افزون بر لفظ «تَجْرِي» و حرف «لام»، یکی دیگر از عوامل درون‌متنی که می‌تواند دلالت آیه ۳۸ سوره یس را توسعه دهد قالب یا صیغه واژه «مُسْتَقَرٌّ» است. به‌عنوان مثال برخی صیغه‌ها و وزن کلمات از زمینه‌های دلالت کلمه بر معانی متعدّد شمرده شده است؛ مانند وزن «فَعِيل» که در واژه‌های رحیم، نصیر، ولی، کریم، صریح، سمیع، بصیر و ... به معنای فاعلی است و در واژه‌های: قتیل، جریح، شهید و ... معنای اسم مفعولی دارد. (دشتی، ۱۳۸۲: ۶ / ۵۸۲) به همین صورت مفسران در تبیین معنای «مُسْتَقَرٌّ» سه صیغه ذکر کردند: یک. مصدر میمی (بروسوی، همان؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۸ / ۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۸۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹:)؛ دو. اسم زمان (طباطبایی، همان؛ فضل‌الله، همان)؛ سه. اسم مکان. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۵۱۲؛ بروسوی، همان؛ آلوسی، همان؛ طباطبایی، همان؛ فضل‌الله، همان) در ادامه نقش هریک از این سه صیغه یا قالب در تنوع و توسعه معنای آیه بیان می‌گردد:

یک. معنای مصدر میمی «مُسْتَقَرٌّ»

در صورت که واژه «مُسْتَقَرٌّ» مصدر میمی باشد، مقصود از آیه این است که: «خورشید به سمت محلّ قرار گرفتن و استقرار یافتن خود، در جریان است».

دو. معانی اسم زمانی «مُسْتَقَرٍّ»

اگر واژه «مُسْتَقَرٍّ» اسم زمان باشد، به معنای پایان دنیا و رخ نمودن قیامت خواهد بود. (بلخی، ۱۴۳۳: ۳ / ۵۷۹؛ طوسی، همان: ۸ / ۴۵۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۶۶۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۴ - ۱۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۵۱۳؛ بروسوی، همان؛ طباطبایی، همان و ...) این معنا با همان دیدگاه علمی که معتقد است خورشید به چرمی سرد و خاموش و کوچک تبدیل خواهد شد، منطبق است و احتمالاً در همین زمان قیامت رخ خواهد نمود.

سه. معانی اسم مکانی «مُسْتَقَرٍّ»

در صورتی که واژه «مستقر» اسم مکان باشد، مفسران معانی ذیل را بیان کرده‌اند:

۱. منازل زمستانی و تابستانی خورشید: مقصود، حرکت خورشید تا آغاز تابستان به سمت شمال و تا آغاز زمستان به سمت جنوب است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۶۶۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۴ - ۱۳؛ بروسوی، همان؛ مظهري، ۱۴۱۲: ۸ / ۸۳، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۳۸۲ - ۳۸۱)
۲. منازل غروب خورشید (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۳ / ۵؛ طوسی، همان: ۸ / ۴۵۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۲۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳ / ۵۲۴؛ ابن عاشور، همان: ۲۲ / ۲۳۰)
۳. وسط آسمان (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۲۶۸؛ بروسوی، همان)
۴. مشارق و مغارب خورشید در هر روز (میبدی، ۱۳۷۱: ۸ / ۲۲۷ - ۲۲۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴ / ۲۶۸؛ مظهري، ۱۴۱۲: ۸ / ۸۳؛ آلوسی، همان)
۵. تحت عرش؛ این مورد برگرفته از روایتی از پیامبر ﷺ است که در آن مستقر خورشید، زیر عرش معرفی شده است. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۳۱۹۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۲۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۵۱۲، سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲۶۳؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۳۸۵)
۶. سمت واحدی در فضا با سرعتی که ۱۲ مایل در ثانیه، محاسبه شده است. (سید قطب، همان؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶ / ۳۱۵)

بدین ترتیب، با توجه به صیغه‌های مختلفی که می‌توان برای لفظ «مُسْتَقَرٍّ» در نظر گرفت، معانی و مصادیق متفاوتی بر آن حمل می‌شود که برخی به زمان استقرار خورشید و برخی به مکان آن اشاره می‌کند. همچنین گاهی مستقر روزانه خورشید (غروب) در نظر گرفته می‌شود و گاه مستقر سالانه آن (منتها منازل زمستانی و تابستانی). (صادقی تهرانی، همان) پس بادقت در آیه، روشن می‌شود که هیچ‌یک از آنها مانع پذیرش معنا و مفهوم دیگر نیست و دلالت آیه بر هر یک از آنها به گونه‌ای صحیح است که گزینش این واژه و جای‌گذاری آن در آیه، موجب توسیع معنای آن شده است.

۲. عوامل برون متنی توسعه معنایی آیه

برای درک عمیق‌تر آیه می‌بایست به اطلاعات جدید درباره تحوّل خورشید و اجرام سماوی دیگر، توجه نمود. متخصصان آستروفیزیک،^۱ سنّ خورشید را ۴/۵ میلیارد سال تخمین می‌زنند. این ستاره مانند ستارگان دیگر دارای مراحل تحوّل است و تعیین این مراحل امکان‌پذیر است. در حال حاضر خورشید در نخستین مرحله تحوّل خویش قرار دارد و وجه مشخص این مرحله، تبدیل اتم‌های هیدروژن به هلیوم است که به طور نظری، مرحله فعلی ۵/۵ میلیارد سال دیگر به طول می‌انجامد. به دنبال این مرحله، به گونه‌ای که در ستارگان دیگر ملاحظه شده است مرحله پایان تبدیل ئیدروژن به هلیوم و انبساط لایه‌های خارجی که خورشید را غولی سرخ می‌سازد و در نهایت، از دست دادن لایه‌های بیرونی و تبدیل شدن به کوتوله‌ای سفید و سرد شدن خورشید می‌آید. (استات، ۱۳۹۵: ۸۶؛ ماران، ۱۳۹۱: ۱۷۱؛ بوکای، بی‌تا، ۲۲۵ - ۲۲۴)

حرکت منظومه شمسی در فضا به طرف نقطه‌ای است که در صورت فلکی «جائیه علی رگبتیه»^۲ و در همسایگی ستاره «وگا»^۳ که مختصاتش کاملاً معلوم شده است، قرار دارد و سرعت حرکتش نیز به تخمین در حدود ۱۹ کیلومتر در ثانیه است. (بوکای، همان، ۲۲۵ - ۲۲۴)

بنابراین گذشت زمان و بهره‌گیری از علم نجوم و کشف حرکات چندگانه خورشید، درک فراتری از آیه را در پی داشته است.

سیر بسط معنای آیه «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا»

هم‌زمان با نزول این آیه شریفه، آنچه از دانسته‌های نجومی میان مردم رواج داشت، مطالبی بود که هیئت بطلمیوسی ارائه کرده بود و نیز به آنچه که در ظاهر، با دیدگان خود درک کرده، اعتماد می‌نمودند. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۱۱ / ۳۰) از این رو تا مدت مدیدی مفسران به گونه‌ای به تفسیر این آیه می‌پرداختند که با هیئت بطلمیوسی و حرکت ظاهری خورشید، منافات نداشته باشد. بعدها با توجه به هیئت کوپرنیکی و تلاش‌های گالیله، تیکو براهه، کپلر، نیوتن قوانین حاکم بر حرکات اجرام آسمانی کشف شد. (مسترجمی، ۱۳۸۷: ۹۹)

۱. واژه «آستروفیزیک» به شاخه‌ای از اخترشناسی اشاره می‌کند که با رفتار، ویژگی‌های فیزیکی و فرایند دینامیکی اجسام و پدیده‌های آسمانی سروکار دارد.
۲. هفتمین صورت از صور فلکی نیمکره شمالی که به صورت مردی بر زانو نشسته با دو دست باز و کشیده است. (شهرستانی، ۱۳۸۷: ۲۶۱)

3. Voga.

اما آنچه که علم، در اعصار جدید به آن دست یافته، عبارت است از حرکات چندگانه: درونی، وضعی، انتقالی طولی، انتقالی دَوْرانی برای خورشید. (فیومی، ۱۴۲۵: ۲۲؛ شعبان، ۱۴۲۷: ۲۱۶ - ۲۱۴) نیز سرانجام نهایی خورشید و به اصطلاح مرگ یا سرد شدن آن مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از مفسران نیز تعبیر: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي» (جریان داشتن خورشید) را تعبیری کنایی دانسته و آن را به نظام دقیق خورشید و عدم تخطی آن از این نظام تا زمان اراده جدید الهی درباره آن، تفسیر کردند. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۱ / ۷۶؛ مغنیه، همان؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۳ / ۳۷۷ - ۳۷۶؛ فضل‌الله، همان) که این مفهوم با توجه به حرف «لام» به معنای تعلیل از آیه مورد بحث برداشت شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، در دوران‌های مختلف، از آیه: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (پس / ۳۸) برداشت‌های متفاوتی شده و عواملی از درون و برون آیه، این تنوع و توسعه معنایی را سبب شده است. تا آنجا که برخی در تفسیر آیه تا ۳۶ احتمال (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۱۶۸) را ذکر کرده‌اند! اما دلیلی بر ردّ هیچ‌یک از معانی گفته‌شده، وجود ندارد و هیچ‌یک از این معانی با هم منافات نداشته بلکه طبق قاعده «الجمع مهما أمکن أولی من الطرح» همه این دیدگاه‌ها قابل جمع می‌باشند؛ چراکه برخی از این احتمال‌ها به زمان استقرار یافتن خورشید و برخی به مکان آن و برخی دیگر به انواع حرکت خورشید اشاره می‌کند و این زیبایی بی‌نظیر و فصاحت و بلاغت اعلاّی کلام وحی است که با کمترین الفاظ، بیشترین معانی را القاء می‌کند.

گستره وسیع معنایی آیه: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» در قالب نمودار زیر نشان داده شده است:



نتیجه

پژوهش حاضر پس از تبیین توسعه معنایی آیات، عوامل آن و به طور خاص عوامل گسترش معنای آیه ۳۸ سوره یس، به یافته‌های زیر نائل آمده است.

۱. آیات کتاب الهی به زیباترین شکل ممکن، معانی بسیاری را در عبارت‌های کوتاه در خود گنجانده که مخاطبان با گذشت زمان به قدر وسع، به کشف آنها می‌پردازند.
۲. یکی از جلوه‌های توسعه معنایی آیات، تفسیر آیات علمی قرآن است که موجب صحه گذاشتن بر مقوله توسعه معنایی آیات قرآن شده و مفاهیم و دلالات بیشتری را در پیش دید پژوهشگران و مخاطبان قرار می‌دهد.
۳. در گسترش مفهوم آیه: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» سه واژه: «تَجْرِي»، حرف «لام» در «لِمُسْتَقَرٍّ» و «مُسْتَقَرٍّ» از عوامل درون‌متنی نقش دارند.
۴. کشف قطعی حرکات چندگانه خورشید، نیز تبیین چگونگی پایان عمر آن در پرتو علم نجوم و هیئت جدید از عوامل برون‌متنی توسعه معنایی آیه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» بوده است.
۵. محتمل است که پیشرفت دانش بشری در آینده پرده از روی برخی دیگر از زوایای نهفته در این آیه بردارد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجرة.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبة نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۷۸ ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمدطاهر، ۱۴۲۰ ق، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- استات، کرول؛ و روبرت دینویدی و دیوید هیوز، ۱۳۹۵، *دائرة المعارف مصور فضا*، ترجمه پوریا ناظمی، تهران، سایان.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱، *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- ایازی، سید محمدعلی، ۱۳۷۶، *قرآن و تفسیر عصری*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ایازی، سید محمدعلی، ۱۳۸۶، *شمول پذیری معنا در قرآن (مجموعه مقالات)*، قم، مؤسسه معارف قرآنی امام رضا علیه السلام.
- بردبار، محمدرحیم؛ ملیحه حیدری فرد و حبیب الله رزمی، ۱۳۹۶، *نجوم توصیفی*، قم، دانشگاه قم.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بوکای، موریس، بی تا، *عهدین، قرآن و علم*، ترجمه حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جسترو، رابرت و مالکم تامسون، ۱۳۶۳، *مبانی و مرزهای ستاره‌شناسی*، ترجمه تقی عدالتی و جمشید قنبری، مشهد، آستان قدس رضوی.
- جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشان*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- دالکی، احمد، ۱۳۸۵، *زمین در فضا (منظومه شمسی)*، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.

- دشتی، سید محمود، ۱۳۸۲، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- دگانی، مایر، ۱۳۹۱، *نجوم به زبان ساده*، ترجمه محمدرضا خواجه پور، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق و بیروت، دار العلم و الدار الشامیة.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۵، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، تهران، اسوه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۰، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت، کتاب مبین.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۲، *منطق تفسیر قرآن*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
- روشن، ا، ۱۳۳۹، *فیزیک نجومی خورشید*، تهران، دانشگاه تهران.
- ریدپات، ایان، ۱۳۸۰، *اطلس ستارگان و سیارات*، ترجمه حسین علیزاده غریب، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ریدپات، ایان، ۱۳۹۱، *اخترشناسی (راهنمای عملی)*، ترجمه پوریا ناظمی، تهران، نشر نی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- زیلیک و اسمیت، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، *نجوم و اختر فیزیک مقدماتی*، ترجمه جمشید قنبری و تقی عدالتی، مشهد، دانشگاه امام رضا علیهم السلام.
- سلیمان، احمد محمد، ۱۹۷۸ م، *القرآن و العلم*، بیروت، دار العودة.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق.
- سیدی، حسین، ۱۳۹۰، *تغییر معنایی در قرآن (بررسی رابطه بیناهننی قرآن با شعر جاهلی)*، تهران، سخن.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شرقاوی، عفت، ۱۹۷۹ م، *الفکر الدینی فی مواجهه العصر (اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحدیث)*، بیروت، دار العودة.
- شعبان، مروان وحید، ۱۴۲۷ ق، *الإعجاز القرآنی فی ضوء الاكتشاف العلمی الحدیث*، بیروت، دار المعرفة.

- شلتوت، محمود، ۱۴۲۴ ق، تفسیر القرآن الکریم، قاهره، دار الشروق.
- شهرستانی، سید هبةالله، ۱۳۸۷، اسلام و هیئت، ترجمه و توضیح سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
- صمدیانی، علیرضا، ۱۳۸۵، پرسش و پاسخ‌های فیزیکی بیرونی جهان آفرینش، مشهد، سخن گستر.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی، سید محمدرضا، ۱۳۹۳، صرف ساده، قم، دار العلم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، بی تا، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، الأملی، قم، دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، کتاب العین، قم، هجرت.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
- فولادوند، محمد مهدی، ۱۴۱۸ ق، ترجمه قرآن کریم، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- الفیومی، سعید صلاح، ۱۴۲۵ ق، الإعجاز العلمی فی القرآن الکریم مع الله فی السماء، قاهره، مکتبه القدسی.
- قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۹۳، بیولوژی نص (نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قیطوری، عامر، ۱۳۸۲، قرآن ساخت شکنی و بازگشت نشانه، قم، کتاب طه.
- کارتون و همکاران، ۱۳۹۱، مبانی ستاره‌شناسی، ترجمه، غلامرضا شاه‌علی، شیراز، شاهچراغ.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- گاموف، گیورگی (جورج)، ۱۳۵۱، ستاره‌ای به نام خورشید، ترجمه محمد حیدری ملایری، تهران، پیروز.
- ماران، استیفون. پی، ۱۳۹۱، نجوم برای همه، ترجمه منصوره جلیل خانی و مهسا طاهری، تهران، ایران‌شناسی.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- محتسب، عبدالسلام عبدالمجید، ۱۳۹۳ ق، *اتجاهات التفسیر فی العصر فی الراهن*، بیروت، دار الفکر.
- محمودی، بابک، ۱۳۹۳، *از نجوم‌شناسی تا خداشناسی*، ارومیه، انتشارات حسینی اصل.
- مسترحمی، سید عیسی، ۱۳۹۵، *نجوم‌شناسی در قرآن*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- مسترحمی، سید عیسی، ۱۳۹۷، *تفسیر آیات نجومی با تأکید بر پاسخ به شبهات*، قم، دفتر نشر معارف.
- مظاهری تهرانی، بهاره، ۱۳۹۶، *بازشناسی مبانی تفسیر علمی قرآن کریم و تبیین کارکردهای آن در تفسیر آیات*، استاد راهنما: عباس مصلائی پور، دانشگاه مذاهب اسلامی.
- مظهری، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظهري*، تحقیق غلام نبی تونسلی، پاکستان، مکتبه الرشیدیة.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۵، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- مور، پاتریک، ۱۳۹۰، *اطلس منظومه خورشیدی*، برگردان و ویرایش: عباس جعفری، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- موریسون، ایان، ۱۳۸۹، *آشنایی با نجوم و کیهان‌شناسی*، ترجمه هاره محمدی نیای رودسری، تهران، دانش پژوهان جوان.
- میدی، رشیدالدین احمد، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر.
- نجفی نژاد، علی، ۱۳۸۱، *حرکت خورشید و زمین از دیدگاه قرآن*، رشت، کتاب مبین.
- نکونام، جعفر، ۱۳۹۰، *درآمدی بر معناشناسی قرآن*، قم، دانشکده اصول الدین.
- نیکلسون، آین، ۱۳۸۲، ۱۸۶ پرسش و پاسخ نجومی، ترجمه عبدالمهدی ریاضی و هادی رفیعی، مشهد، به نشر.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۴۱۰ ق، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام*، قم، مکتبه فقیه.

ب) مقاله‌ها

- آرمین، محسن، ۱۳۸۹، «سید مرتضی و استفاده از علوم زمانه در تفسیر قرآن»، *اسلام پژوهی*، ش ۴، ص ۴۴-۲۷، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

واکاوی توسعه معنایی در آیه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» □ ۱۶۱

- سبحانی، جعفر، ۱۳۹۶، «رابطه قرآن و علوم انسانی»، *کلام اسلامی*، ش ۲۱، ص ۲۲ - ۹، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سیاوشی، کرم، ۱۳۸۵، «بررسی دیدگاه سید قطب در ارتباط با تفسیر علمی قرآن»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه: قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ص ۹۲ - ۵۵، تبریز، دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- مسترحمی، سید عیسی، ۱۳۸۷، «قرآن و نجوم»، *قرآن و علم*، ش ۲، ص ۱۱۲ - ۹۱، قم، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.
- مؤدب، سیدرضا؛ مجید دانش‌گر و حمیدرضا خادمی، ۱۳۸۹، «سازگاری یا ناسازگاری قرآن و علم جدید»، *قرآن و علم*، ش ۶، ص ۱۸۴ - ۱۶۷، قم، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه.
- میثمی، لطف‌الله، ۱۳۸۳، «قرآن و علم آفرینی»، *بازتاب اندیشه*، ش ۵۶ و ۵۵، ص ۱۵ - ۷، تهران، اداره کل پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- نقیب، سید محمد؛ عباس یوسفی تازه‌کندی و مرتضی‌سازجینی، ۱۳۹۵، «مطالعات میان‌رشته‌ای و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی»، *تفسیر پژوهی*، ش ۵، ص ۲۰۹ - ۱۷۷، تبریز، دانشگاه شهید مدنی.
- Biékowski, B, 2012, *The Scientific World of Copernicus: On the Occasion of the 500th Anniversary of his Birth 1473-1973*, Springer Science & Business Media.
- Foukal, Peter, 2013, V, *Solar Astrophysics*, Germany, Wiley.
- Gregersen, Erik, 2010, *The Milky Way and Beyond: Stars, Nebulae, and Other Galaxies*, New York, Britanica Educational Publishing.
- Lang, Kenneth, 2006, *Sun, Earth and Sky*, Singapore, Springer.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی